

## فهرست مطالب

۱۷	مقدمه علیرضا پورامید
۲۷	سخن مؤلف
۳۱	فصل اول: زندگی استاد در طفولیت
۴۳	فصل دوم: زندگی هنری استاد
۷۷	فصل سوم: پرسش و پاسخ با استاد ابراهیمی
	فصل چهارم: مصاحبه‌ها و مقالات (به ترتیب نام نویسندگان)
۸۹	مهدی آذرسینا
۹۴	سوسن ابراهیمی
۹۷	شیرین ادیب خوانساری
۹۸	به یاد استاد همایون خرّم: غمگین چو پاییزم، از من بگذر
۱۰۱	رضا خرّم: استاد احمد ابراهیمی از نگاه مهندس همایون خرّم
۱۰۳	محمد دَوَکُو
۱۰۴	محمد رضا ژاله
۱۰۶	محمد سریر: هنرمندان از نسل دیگر
۱۰۸	شاهین شهبازی
۱۱۲	مصاحبه علیرضا بنائی با استاد هوشنگ ظریف
۱۱۶	حمیدرضا عاطفی: برای استاد آواز ایران، ابراهیمی، همان زندگی ناب است.
۱۱۸	محمداسماعیل قنبری
۱۲۰	یدالله کابلی: تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشوی
۱۲۴	بهروز مُبَصَّری: احمد ابراهیمی

- ۱۳۰ تمثیل مشایخی
- ۱۳۲ خری ملک پور: سخنی چند در مورد استاد احمد ابراهیمی
- ۱۳۴ ادی منتظری
- ۱۳۶ ضا مهدوی: که آتشی که نمی‌رد همیشه در دل ماست
- ۱۳۸ مصومه مهر علی
- ۱۴۰ یزد علی‌رضا میر علی نقی: گوش بر نغمه‌ای از تتمه یک دوران
- ۱۴۵ یزد علی‌رضا میر علی نقی: اگر یک آنتولوژی کامل فراهم می‌شد: تعظیمی به یک عمر
- ۱۴۵ تر مندی و صفای استاد احمد ابراهیمی
- ۱۵۱ صاحبۀ علی‌رضا بنائی با استاد منصور نریمان
- ۱۵۸ سین یوسف‌زمانی: درباره استاد احمد ابراهیمی، موسیقی‌شناس و خواننده متواضع و بی‌ادعا
- ۱۶۱ دداشت پریش شهبازی، همسر استاد ابراهیمی
- ۱۶۳ ستاد ضمیمه

[Shiraz-Beethoven.ir](http://Shiraz-Beethoven.ir)

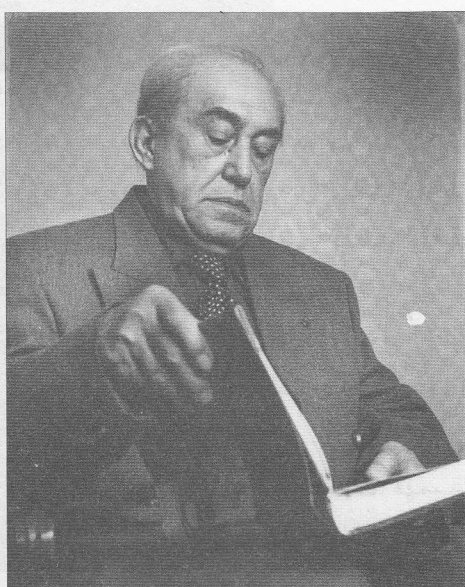


خدمت استاد ادیب خوانساری می‌رسیدم. ایشان هر هفته کتاب حافظ را به من می‌دادند و می‌گفتند: «قرائت کنید.» بعد من همان شعر را می‌نوشتم و با خود به منزل می‌بردم. یک هفته فرصت داشتم تا آنرا حفظ کنم. بعد از مدتی، دریافتم چقدر از اشعار حافظ را به همین طریق حفظ شده‌ام. هنوز اولین جلسه کلاس با استاد ادیب یاد است. اولین شعری که با من کار کردند این بود:

من خرابم ز غم یار خراباتی خویش      می‌زند غمزه او ناوک غم بر دل ریش  
 با تو پیوستم و از غیر تو دل بُبریدم      آشنای تو ندارد سر بیگانه و خویش



احمد ابراهیمی، حافظیه شیراز



احمد ابراهیمی

ایشان همیشه تأکید می‌کردند: «خواننده باید اشعار زیادی را از حفظ باشد. نباید دنبال شعر بگردد.» من مدت چهار سال خدمت استاد ادیب بودم. روزی شخصی به کلاس آمد که او را در مدت این چهار سال ندیده بودم. در بدو ورود دست استاد ادیب را بوسید و نشست. استاد معرفی کردند ایشان آقای بنان هستند. به آقای بنان از من خیلی تعریف کردند و گفتند: «ایشان ردیف‌های آواز را خوب می‌داند اما ترانه

یکی از بزرگ‌ترین نوازندگان که ما در سه‌تار داشتیم استاد ارسلان درگاهی بود. باینکه پدرش ارتشی بود دوست داشت پسرش موسیقیدان شود. به همین دلیل هم خودش او را به کلاس میرزا عبدالله و میرزا حسینقلی برد و بعد از آن دو نفر هم با درویش خان کار کرد. البته آن موقع ایشان از آنان تار درس می‌گرفت، تا سال ۱۳۰۲ که مدرسهٔ وزیری افتتاح شد. او خدمت کلنل وزیری رفت و امتحان داد. استاد وزیری به ایشان گفته بودند که خوب تار می‌زنی ولی باید نت یاد بگیری. مدت چهار سال در هنرستان وزیری کار کرد. پس از آن، خود استاد وزیری ایشان را به خانم قمرالملوک وزیری معرفی کرد. زمانی که با مرحوم درگاهی آشنا شدم ایشان دیگر تار نمی‌زد و فقط سه‌تار می‌نواخت. سازش هم لطافت داشت هم قدرت. کارمند ادارهٔ دارایی بود ولی هیچ‌گاه علاقه نداشت در اداره بفهمند او ساز می‌زند. یک‌بار با ارسلان خان خدمت استاد صبا رفتیم. مرحوم درگاهی سه‌تاری را به آقای عشقی داده بود روی آن پوست انداخته، و خرک گذاشته بود. صدای آن دوبرابر

شده بود. استاد صبا وقتی ساز را دید اصلاً استقبال نکرد و گفت: «آقای درگاهی، اینکه دیگر سه‌تار نیست. برو یک اسم جدید برایش انتخاب کن.»

من در سال ۱۳۴۰ دومرتبه به دعوت مهندس قطبی، رئیس رادیو و تلویزیون، در تلویزیون با استاد درگاهی برنامه اجرا کردم. بعد از آن، شرایطی پیش نیامد دوباره در خدمت ایشان اجرا کنم.

یک خاطرهٔ دیگر از استاد صبا بگویم دربارهٔ تغییرات روی ساز: یک‌بار خدمت ایشان بودیم. عباس شاپوری و بهارلو هم بودند. نوازندهٔ دیگری هم بود که ویلن هم می‌ساخت. ایشان برای ویلن یک کوک برنجی ساخته بود که



ارسلان درگاهی، احمد ابراهیمی



## استاد احمد ابراهیمی از نگاه مهندس همایون خرم



احمد ابراهیمی، همایون خرم

وقتی از استاد خرم می‌خواستند مطلبی دربارهٔ شخصی بنویسد به‌سختی می‌پذیرفت مگر اینکه تمام جوانب و شرایط حرفه‌ای آن شخص مورد تأیید او بود. وقتی آقای نتائی از پدرم خواستند مقاله‌ای دربارهٔ استاد احمد ابراهیمی بنویسد ایشان بی‌درنگ پاسخ مثبت دادند و با اشتیاق پذیرفتند. برای من و تمام کسانی که با روحیهٔ ایشان آشنا بودیم این پذیرش بی‌وقفه به‌معنای تأیید شخصیت هنری استاد ابراهیمی بود که به‌واسطهٔ دوستی دیرین بین آنها حاصل شده بود و از توانایی بالای آقای ابراهیمی در موسیقی و آواز از دید مرحوم پدرم نشان داشت.

اواسط سال گذشته، به‌اتفاق پدر، در موزهٔ موسیقی با استاد ابراهیمی دیدار کردیم. برخورد این دو استاد با یکدیگر حکایت از سابقهٔ طولانی دوستی و وجود ارادت و شیفتگی بین آنها داشت.

استاد احمد ابراهیمی سیر تکامل هنری جالبی را طی کرده که او را امروز بعد از بالله دوامی، که حافظه تصانیف یک صدساله اخیر را داشته است، باید حافظه تصانیف دوره معاصر نامید و لقب «لوح محفوظ تصانیف این عصر» برازنده ایشان است. اهل فن می دانند حافظه موسیقایی ایشان شامل چند دوره از تاریخ معاصر ایران، یکی از عجایب هنر موسیقی است زیرا تاریخ اجتماعی ایران در هشتاد سال اخیر - مانات زیادی را، به دلیل الزامات تاریخی، طی کرده است و نوع تصانیف خاص - لحاظ ملودی، شعر، محتوا، ضربآهنگ و بیان - شامل تحولاتی بوده که باعث می شود از گونه های مختلف تصانیف می باشد که در هر دوره قابل بررسی است و نظ آنها به عنوان یک لوح محفوظ و نگه داشتن آن در حافظه تاریخی استاد احمد ابراهیمی و اشاعه آن به هنرجویان خود یکی از نوادر و عجایب تاریخ موسیقی معاصر ایران است. او به بهترین شکل این بار فرهنگی را به دوش کشیده است تا به منزل مقصود برساند.

وی در سال ۱۳۰۵ در اورامانات گوردستان متولد شد ولی اصالتاً از خانواده های پیل شیرازی می باشد که در آن موسیقی جایگاهی خاص داشته است. او به دلیل غل پدر شهرهای مختلفی را دیده است. مادرش نوازنده تار و از شاگردان زاهدالله و میرزا حسینقلی بوده است و در اندرونی دربار قاجار تار می نواخت که از تعویض حکومت از قاجاریه به پهلوی به دنبال زندگی خویش رفت. استاد ابراهیمی از کودکی نغمات موسیقی ایرانی را از مادرش می شنید و در واقع اولین معلم موسیقی وی مادرش بوده است. پس از فوت پدر در سال ۱۳۱۲، در سن ۷ سالگی به همراه مادرش به تهران می آید. در دوران نوجوانی مجبور می شود هم سبک بخواند و هم برای امرار معاش کار کند. وی اولین خواننده ای است که در رشته پهلوی دوم موفق به دریافت فوق لیسانس در رشته ادبیات فارسی گردید. او در ۱۳۱۲ بیست و دو سالگی به محضر بزرگان موسیقی راه می یابد و با هنرمندانی چون صبا، جوبی، بنان و ادیب آشنا می شود و از طریق دوستی ای که با مرتضی خان محجوبی برقرار کرده بود به دیگر محافل هنری کشیده می شود.

او در روز ۳۱ فروردین سال ۱۳۸۶ در برنامه بزرگداشت ادیب خوانساری، که تحت مؤسسه آوای مهربانی در تالار وحدت انجام شد، به روی صحنه رفت و



# Shiraz-Beethoven.ir

یک روز خبردار شدم در سینما فیلمی عربی در حال اکران است که هنرپیشه‌ای در آن عود می‌زند. بلافاصله یک عکاس را با خود به سینما بردم و وقتی به صحنه‌ای رسید که هنرپیشه در آن چند لحظه عود می‌نواخت عکاس از صفحه سینما چند عکس گرفت. عکس‌ها را نزد نریمان بردم. بررسی کرد و گفت: «فهمیدم شکل نوازی اش چطور است ولی مشکل دیگری هست: اینکه مقیاس‌ها را نداریم.» خیلی راحت شدم. همان موقع که ما مشغول صحبت بودیم آقای برای تعمیر ویلن به آنجا رفته بود. او گفت: «من چون به ساز علاقه زیادی دارم می‌خواهم کمک‌تان کنم.» رسیدیم: «چه کمکی؟» گفت: «من مهندس نقشه‌کش ساختمان هستم. اگر شما یکی از این عکس‌ها را به من بدهید، من در کمتر از ۴۸ ساعت مقیاس‌ها را به شما می‌دهم.» یک عکس را تحویل ایشان دادم. او هم ظرف مدت دو روز مقیاس‌ها را برآورده به آقای نریمان تحویل داده بود. آقای نریمان طبق نوشته‌های آن نقشه‌کش عکس‌هایی که من برایش برده بودم شروع به کار کرد. به مشهد برگشتم. پس از دو هفته ایشان تلفن کرد که به تهران بیا، عود آماده است. به قدری خوشحال بودم که نتوانستم در آنجا بمانم و چهار عود ساخته است. همه یک‌شکل بودند ولی از نظر سادگی آنها را رتبه‌بندی کرده بود و بنا بر کیفیت قیمت‌هایشان متفاوت بود. البته در چهار عود از سازهای ساخت مصر و عراق هم بهتر می‌خواندند. واقعاً عالی کار کرده بود. اصلاً انتظار نداشتم که از روی عکس با آن کیفیت بسازد! یادم است سال ۱۳۲۲ بود و من محصل بودم و چون در آمدی نداشتم، ارزان‌ترین آنها را انتخاب کردم. او فهمید و گفت: «می‌دانم به خاطر قیمتش آن را انتخاب کردی. تو بهترین را بردار. من به قیمت ارزان‌ترین با تو حساب می‌کنم.» هرچه اصرار کرد نپذیرفتم. این طور که یادم است آن را ۲۴۰ ریال خریدم. الآن عمر این ساز حدود ۶۲ سال است. من پس از آنکه عود را تحویل گرفتم به مشهد برگشتم و شروع به کار کردم. ضمناً در آموختن عود استادی نداشتم.

تا سال ۱۳۳۶ در مشهد ماندم. پس از آن، آقای معینان به من مأموریت دادند که رادیو فارس در شیراز بروم. به شیراز رفتم و در بخش موسیقی مشغول شدم و نهایت تلاش خود را جهت سروسامان‌دادن به آن مرکز کردم. مدت پنج سال در شیراز ماندم و در سال ۱۳۴۱ به تهران آمدم و طبق وصیتی که استاد خالقی کرده بود